



عبدالاحمد فیض

## موانع حقوقی عقد ازدواج

درنہشتہ قبلی تحت عنوان مشروعیت حقوقی ازدواج ، جوانب حقوقی نکاح دردوکتگوری یعنی رضایت و اہلیت متعاقدین (ناکح و منکوحہ) مورد بررسی مؤجز قرار گرفت ، کہ عدم موجودیت این دو عنصر نہایت مهم ، فقدان مشروعیت عقد نکاح را وارد صحنہ میسازد . در بحث کنونی سعی خواهیم داشت تا بہ بررسی و توضیح حقوقی عوامل و موانع پردازیم کہ وجود آنها بہ فکتوریازدارندہ در عقد ازدواج مبدل شدہ و عقد ازدواج بین دوشخص را بمثابہ موانع دایمی و یا مؤقت ، غیر مشروع میسازد و عبارتند از:

اول- موانع یا حرمت دایمی.

دوم- حرمت مؤقت.

اول- حرمت دایمی عقد ازدواج : حرمت دایمی کہ موجودیت آن باعث ممنوعیت و یا حرمت ہمیشگی عقد ازدواج فی مابین دوشخص میگردد بہ سه دستہ تقسیم میشوند و عبارتند از:

الف- حرمت نسبی (عدم مشروعیت ازدواج با محارم)

ب- حرمت مصاہرہ .

ج- حرمت رضاعی.

الف- حرمت نسبی : کہ میتوان بنام حرمت نکاح با محارم بر بنیاد قرابت خونی یاد نمود عبارتند از ممنوعیت ازدواج با اصول شخص مانند ازدواج با مادرو مادرکلان (پدری یا مادری) ، ازدواج با فروع مانند عقد نکاح با دختر خود، دختر دخترودخترپسر خود. و منع ازدواج با عمہ ، خالہ ، خواہرزادہ ، برادرزادہ و پاپیانتر از آن.

ب- حرمت مصاہرہ : حرمت مصاہرہ کہ حرمت دامادی نیز نامیدہ میشود عبارت از رابطہ جنسی آشکار و پنهانی میان زن و مرد است کہ موجب حرمت ازدواج میگردد و عبارت است از: عقد صحیح و مشروع ، مزاجت و یا آمیزش نا مشروع (زنا) ، لذا چنین مناسبات وضعیت حقوقی ازدواج دیگران را کہ اصول و فروع افراد فوق است متأثر مینماید مثلاً: ازدواج با ہمسریدر، پدرکلان ، ہمسریدر و پدرکلان مادری یا بعبارت دیگر ازدواج نوادہ ہا با ہمسران اجداد غیر مشروع است . ہکذا ازدواج پسریا زنی ناجایز است کہ پدرش باوی رابطہ ای خارج از نکاح داشتہ است و بہ قول امام ابوہنیفہ (رح) ازدواج با دختر زن کہ مرد با او مرتکب زنا گردیدہ است غیر مشروع است . اما بی خبری از اصول شرعی و ہنجارہای حقوقی و نیز بیسوادگی گسترده و ہکذا پنهانی بودن روابط نامشروع در جامعہ ما سبب شدہ است کہ ازدواجہای ازینگونہ بہ کثرت بوقوع بی پیوند.

ہمچنان حرمت مصاہرہ باعث میشود تا پدر و یا اجداد نتواند با زنان فرزندان ازدواج نماید علی الرغم آنکہ ازدواج فسخ و یا بہ طلاق منتهی شدہ باشد. اما لازم بہ یاد دہانی است کہ حرمت ازدواج اصول و فروع خانم پسرپر دمرحقق نمیگردد مثلاً پدر میتواند با مادریا دختر خانم پسر ازدواج نماید. ہکذا ازدواج با فرع ہمسری یعنی دختری نا مشروع و یا حرام خواندہ میشود.

ج- حرمت رضاعی : حرمت رضاعی یا حرمت نکاح بر مبنای شیرخوارگی زمانی محقق می‌گردد که طفل در دو سال اول زندگی اش بمنظور تغذیه از شیرزن دیگر استفاده نماید، فلذا هرگاه بدلائل مختلف چون وفات مادر اصلی یا بعلت مصاب بودن به مرض وهر علت دیگر، طفل که نیاز به تغذیه عاجل وبموقع دارد از شیر غیر از مادرش استفاده نماید حرمت رضاعی در مناسبت فی مابین طفل ، دایه ، اصول و فروع زن نسبت به پسر، حاکم می‌گردد. فلذا کلیه موانع نکاح که در حرمت نکاح با محارم واقارب خونی نافذ است بر حرمت رضاعی نیز محقق می‌گردد ، اما آنچه که حرمت رضاعی را از حرمت نسبی متمایز می‌سازد این است حرمت رضاعی فقط فی مابین مرد شیرخوار با اصول و فروع شیردهنده حاکم می‌گردد و سایر خواهران و برادران شیرخوار را شامل نمی‌شود . لازم بیاد دهانی میدانم که اصل حرمت شیرخوارگی در پراکتیک زندگی اجتماعی جامعه ما که بی خیبری از معیارهای حقوقی و موازین شرع بعلت فقر فرهنگی و بیسوادگی گسترده حرف نخست را بیان میکند ، با تعابیر متفاوت و عدم درک دقیق همراه بوده است ، بگونه مثال پسری از زنی شیرخورده است و خانواده وی با یک انتباه و درک نادرست نسبت به این مناسبت برخورد میکند که گویا حرمت ازدواج با تمام اعضای خانواده پسریا خانم شیرده و اصول و فروع مادر رضاعی محقق گردیده است در حالیکه حرمت ازدواج بین خواهر و برادر موصوف با خواهر و برادر رضاعی پسریا دختر شیرخوار بوجود نیامده و موانع ازدواج در زمینه محقق نمی‌گردد.

هكذا نظریه فقهای اسلام و مذاهب در زمینه میزان و مقدار شیر که یک طفل ازان تغذیه میشود، متفاوت است ، بگونه مثال مذهب شافعی روایت دارد که حرمت رضاعی زمانی کامل می‌گردد که طفل حد اقل پنج بار از شیرخانی تغذیه شده باشد و اما اکثریت فقها منجمله مذهب حنفی ، مکیدن یا امتصاص یکبار شیر از مادر رضاعی برای ایجاد حرمت نکاح را کافی دانسته است ، همچنان شایان ذکر است که استفاده از صغیره به منظور تغذیه طفل گرچه شیر هم داشته باشد باعث حرمت ازدواج در آینده نمی‌گردد .

دوم- موانع یا حرمت مؤقت ازدواج : حرمتی که مؤقتاً نافذ بوده و با زایل شدن موانع عقد ازدواج مشروعیت کسب مینماید و این حرمت که در ماده (۸۵) قانون مدنی کشور در داخل پنج فقره پیش بینی گردیده و قرار آتی است:

الف- جمع در نکاح بین دوزنیکه هرگاه یکی آنها مرد فرض شود ، حرمت ازدواج بین شان حاکم شود. مثلاً نکاح دو خواهر با یک مرد، بنابراین این حرمت دائمی نبوده در صورتیکه خانم یک شخص وفات میکند میتواند با خواهر زوجه متوفا اش ازدواج نماید.

ب- منع ازدواج مجدد با زوجه مطلقه ثلاثه یا زن که با الفاظ صریح و سه بار طلاق شده است ، اما زوج زمانی می‌تواند با زن مطلقه خود نکاح کند که زن مطلقه با یک شخص دیگر ازدواج نموده ، سپس از وی طلاق گرفته و عدت طلاق که مدت سه ماه است سپری نموده باشد.

ج- منع ازواج با منکوحه مطلقه غیر که عدت را سپری نکرده است. که درین حالت ازدواج شخص دیگر با وی بعد از انقضای سه ماه مشروعیت کسب مینماید.

د- منع ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان ، این ازدواج زمانی مشروع است که زن اهل کتاب بوده باشد ، اما در شریعت اسلامی ازدواج زن مسلمان حتی با مرد کتابی مجاز نبوده مگر اینکه بدین اسلام مشرف شده باشد در غیر این صورت، نکاح باطل و غیر مشروع است.

ح- عدم مشروعیت نکاح با زوجه پنجم علی الرغم اینکه زوجه چهارم را طلاق داده مگر عدت طلاق منقضی نشده باشد.

منابع : قانون مدنی